

تحول نظام معنایی گفتمان انقلاب اسلامی: مورد مطالعاتی خرده گفتمان های دفاع مقدس و سازندگی
فرهاد بابلی^۱ حامد عامری گلستانی^۲ حامد نظری^۳ حامد محقق نیا^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۱۱

چکیده: تحولات گفتمانی جمهوری اسلامی ایران از بدو پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون، به عنوان روندی پویا و متأثر از شرایط داخلی و خارجی قابل تحلیل است. در این میان، خرده گفتمان دفاع مقدس و خرده گفتمان سازندگی دو مقطع کلیدی در بازتعریف نظام معنایی انقلاب اسلامی محسوب می شوند. خرده گفتمان دفاع مقدس که همزمان با جنگ تحمیلی عراق علیه ایران شکل گرفت، با محوریت مفاهیمی چون ایثار، مقاومت و همبستگی ملی، نقش مهمی در تثبیت هویت سیاسی و مشروعیت نظام ایفا کرد. این گفتمان به تقویت روحیه انقلابی، بسیج عمومی و ارتقای انسجام اجتماعی کمک شایانی نمود. پس از پایان جنگ و در دوره بازسازی، خرده گفتمان سازندگی در پاسخ به نیازهای اقتصادی و ضرورت بازسازی کشور شکل گرفت و جایگزین خرده گفتمان دفاع مقدس شد. روش این پژوهش کیفی یا رویکرد گفتمان لاکلا و موف و مبانی نظری آن نیز همین رویکرد است که بر مبنای آن، تحولات گفتمانی از خرده گفتمان دفاع مقدس به خرده گفتمان سازندگی را مورد بررسی و واکاوی قرار می گیرد. اصلی ترین تحول در این گفتمان، به حاشیه رانده شدن اسلام سیاسی ایدئولوژیک و جایگزین شدن آن با دال مصلحت و بر اساس آن مرکزیت دال توسعه اقتصادی و تعدیل اقتصادی و زنجیره هم ارزی از دال های مربوط به آن بود که موجب شد تا نظام ارزشی و معنایی جدیدی را در گفتمان کلان انقلاب اسلامی به وجود آورده و تحول گفتمانی را در جمهوری اسلامی ایران طی سال های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ رقم بزند.

واژگان اصلی: انقلاب اسلامی، دفاع مقدس، سازندگی، تحلیل گفتمان، ایدئولوژی.

^۱ گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. farhad.baboli@iau.ac.ir

^۲ گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. (نویسنده مسئول) hamed.ameri@iau.ac.ir

^۳ گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. hamed.nazari6209@iau.ac.ir

^۴ گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. hm1354@iau.ac.ir

۱. مقدمه

جمهوری اسلامی بر مبنای نگاه و رویکرد گفتمانی بر اساس یک گفتمان کلان به نام «گفتمان انقلاب اسلامی» شکل گرفت که در طول حیات خود تحولات مختلفی را از سر گذراند. این تحولات گفتمانی در عین اینکه در درون گفتمان کلان انقلاب اسلامی رخ داد، اما خود دارای غیریت‌سازی‌ها مفصل‌بندی‌های خاص خود بود. به این نحو که باید تحولات درون جمهوری اسلامی را در سیاست داخلی و خارجی با در نظر داشتن این تحولات درون‌گفتمانی مورد بررسی قرار داد. این پژوهش، با روش کیفی و رویکرد گفتمانی آن، به تحولات داخلی دوره مدنظرش می‌پردازد، یکی از بهترین روش‌ها برای شناخت این تحولات، شناخت «خرده‌گفتمان»های درون جمهوری اسلامی است. مهم‌ترین ویژگی این خرده‌گفتمان‌ها آن است که در عین این‌که همگی در نسبت مشخصی با گفتمان انقلاب اسلامی تعریف و در تداوم آن قرار دارند، هر کدام مفصل‌بندی خاصی را بر حسب شرایط و ویژگی‌های خود و نظام معنادهی خود ارائه می‌کنند و در عین حال همه آن‌ها خود را تجلی اصلی و درستی از گفتمان انقلاب اسلامی می‌دانند.

دفاع مقدس، یکی از برهه‌های بسیار مهم در جمهوری اسلامی است. نه صرفاً از جهت آن‌که در این دوره کشور دچار مخاطره عظیمی شده و موجودیت آن به خطر افتاد، بلکه از منظر سیاست داخلی، با توجه به نوپا بودن نظام سیاسی، وضعیت آینده کشور و نظام نیز تحت الشعاع آن قرار گرفته بود. دفاع مقدس، خرده‌گفتمان بسیار مهمی را در جمهوری اسلامی ایجاد کرد که بستر اصلی تحولات آتی داخلی در این نظام سیاسی، در آن شکل گرفت. بخشی از آن به خود این گفتمان و بخشی به تحول آن بازمی‌گردد. این خرده‌گفتمان، با ایجاد نظام معنایی مخصوص خود، که در نزدیک‌ترین نسبت با گفتمان کلان انقلاب اسلامی قرار دارد، زمینه تثبیت معنایی و هژمونی گفتمان انقلاب اسلامی را در دوره بسیار مهم ابتدای انقلاب فراهم کرد.

خرده‌گفتمان دفاع مقدس با نظام معنایی خاص خود موجب برخی تحولات مهم در این دوره شد. یکی از تحولات عمده در سیاست داخلی ایران در دوران جنگ، تقویت روحیه انقلابی و همبستگی ملی بود. این همبستگی ملی و مشارکت مردم در جنگ، به‌ویژه در قالب بسیج عمومی، موجب شد تا دولت جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با بحران‌ها و تحولات

داخلی موفق عمل کند و این همبستگی به تقویت مشروعیت سیاسی حکومت انقلابی کمک کرد.

پس از جنگ، با روی کار آمدن دولت هاشمی که تا سال ۱۳۷۶ ادامه داشت، گفتمان دفاع مقدس و مفصل‌بندی آن دچار تحولات عمده ای می‌شود و جای خود را به خرده‌گفتمان جدیدی می‌دهد که بعداً از آن به «سازندگی» یاد شد و می‌شود. هویت اصلی خرده‌گفتمان سازندگی به جای اسلام رادیکال، توسعه اقتصادی یا همان بازسازی کشور است و همه فعالیت‌های این دو دولت در دوره هاشمی بر اساس آن تعریف می‌شود و فضای سیاسی و داخلی کشور، به سمت نوعی تحول گفتمانی حرکت می‌کند.

تحول در نظام معنایی گفتمان انقلاب اسلامی، اگرچه پیش از جنگ تحمیلی نیز آغاز شده بود، اما به صورت اساسی با پایان دفاع مقدس شکل دقیق و قابل توجه به خود گرفت و پس از آن، سیر تحول در این گفتمان، به صورت‌های مختلف و بر مبنای صورت‌بندی‌های گفتمانی متفاوت ادامه یافت. شناخت این تحول مهم، از آن‌جا اهمیت و ضرورت دارد که این تحول در سال‌های بعد، به صورت نوعی انحراف از آرمان‌های اصیل انقلاب اسلامی تلقی شد و صورت‌بندی گفتمانی به نام مقاومت، پاسخی به این تحول محسوب می‌شود. بر این اساس، گفتمان مقاومت را باید بازتولید گفتمان دفاع مقدس، با در نظر داشتن معنای مقاومت و هویت آن بر این اساس در ادوار بعدی دید. این خرده‌گفتمان، که ورای دیگر خرده‌گفتمان‌های جمهوری اسلامی است، هم به نوعی بر مبنای مبارزه با «جنگ فرهنگی» مطرح شده است که در آن جمهوری اسلامی در جنگی فرهنگی قرار دارد و «باید گفتمانی جدید در جهت مقابله با این جنگ تعریف شود تا بتوان با همه‌گیری آن تمامی ارکان جامعه را جهت شرکت در جنگ و مقابله با دشمن دخیل» نماید بنابراین «برای فهم گفتمانی نیاز است فضای «تخاصم فرهنگی» میان جمهوری اسلامی و فرهنگ‌های مهاجم ترسیم شود» (حسینی و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۴). از منظر این گفتمان، که بیش از همه توسط مقام معظم رهبری تبیین شده است، مقاومت در داخل در برابر عناصر متضاد با گفتمان انقلاب اسلامی، «جهاد» است، چرا که «جهاد تنها در عرصه نظامی نیست و عرصه سیاست، فرهنگ و اقتصاد هنر و... را در بر می‌گیرد. مقاومت در این عرصه‌ها در مقابل دشمن نوعی جهاد به حساب می‌آید» (حسینی و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۸۶-۲۸۷).

درعین حال به این موضوع نیز باید توجه داشت که پس از پایان جنگ، نظام، «تصمیم به سازندگی کشور و توسعه اقتصادی کشور گرفت که به تدریج تبعات آن در عرصه‌های مختلف پدیدار شد که علاوه بر برخی تبعات منفی، برخی نتایج مثبت و مطلوبی همچون گسترش طبقه متوسط (اعم از بازرگانان و تجار، فن‌سالاران، مهندسان، روشنفکران و...) افزایش سطوح آموزشی به‌خصوص در عرصه دانشگاهی، خصوصی‌سازی، و ... به بار آورد که این تغییر و تحولات زمینه‌ها و بسترهای مقتضی را برای عرفی شدن فراهم آوردند» (عباسی و مجدی، ۱۴۰۱: ۸۶). عرفی‌شدن امور گوناگون، به‌خاطر ماهیت «دینی» نظام جمهوری اسلامی، خطری مهم محسوب می‌شود که همواره گفتمان انقلاب اسلامی را مورد تهدید قرار می‌دهد (حسینی و همکاران، ۱۴۰۲ الف: ۳۷). چرا که یکی از تبعات چنین وضعیتی، تضعیف اسلام سیاسی به‌منزله دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی است. «چرا که اسلام سیاسی در جهان معاصر به خطر بزرگی برای غرب و غرب‌گرایان تبدیل شده است و موجب گردیده که ایشان موضوع «جدایی دین از سیاست» را همواره برای مقابله با جمهوری اسلامی مطرح نمایند» (حسینی و همکاران، ۱۴۰۲ الف: ۳۹).

این موضوعات، و شاید مباحث گسترده‌تر دیگر، موجب بازتولید موقعیت مشابه، ولی در فضایی متفاوت از دفاع مقدس شد و می‌توان آن را بازتابی از وضعیتی دانست که در اثر تحولات گفتمانی پس از دفاع مقدس به‌وجود آمده و بازگشت به نظام معنایی دفاع مقدس را ضروری کرد. بنابراین، در نشانگان معنایی و هویتی گفتمان مقاومت، می‌توان نشانه‌های مهمی از خرده‌گفتمان دفاع مقدس را بازیافت. به‌ویژه بازگشت مفاهیمی چون «جنگ»، «مقاومت»، «پایداری» و «دفاع» که از بنیان‌های اصلی نظام معنایی گفتمان دفاع مقدس هستند. باید توجه داشت که، اگرچه بحث در این پژوهش، درباره گفتمان مقاومت نیست، اما فهم مباحث گفتمان انقلاب اسلامی در سال‌های اخیر، جز از مجرای فهم اولین تحول مهم در گفتمان کلان انقلاب اسلامی نخواهد گذشت.

۲. پیشینه

(شکارسرای، ۱۴۰۱) در این پژوهش، دفاع مقدس را موجب ایجاد نوعی همبستگی ملی، ذیل نظام معنایی گفتمان انقلاب اسلامی می‌دانند که به‌نوعی در برابر گفتمان ناسیونالیسم ایرانی قرار داشت. این پژوهش، دال مرکزی این گفتمان را «همبستگی ملی» می‌داند. همچنین

(شفیعی فر و صفیاریپور، ۱۴۰۰) در پژوهش خود بر آنند که به‌رغم تهاجم رژیم بعث عراق به خاک ایران که با هدف تضعیف انقلاب اسلامی و جلوگیری از نفوذ امواج آن به منطقه بود، جنگ تحمیلی با گسترش روحیه وحدت و همبستگی ملی، در جهت تثبیت انقلاب اسلامی عمل کرد. همچنین در پژوهش (صحرائی، ۱۴۰۳) هدف اصلی، تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی در دوران جنگ تحمیلی و فرایند تحول سیاست خارجی ایران از ملی‌گرایی لیبرال به اسلام‌گرایی انقلابی و فقه‌آلودی در دوران مذکور و همچنین تأثیر رویدادها، فرایندها و تقابل گفتمانی در سطح داخلی ایران بر سیاست خارجی ایران در این دوره است.

در باب تحول گفتمانی در جمهوری اسلامی که در این پژوهش مدنظر است، می‌توان به این پژوهش‌ها اشاره کرد:

(صفایی و رهبر، ۱۴۰۲) در پژوهش خود تلاش دارند جایگاه انقلاب اسلامی در تحول سیاست‌گذاری فرهنگی ایران و همچنین چرخه گفتمانی و تحول را در سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی در دهه ۷۰ بررسی قرار دهند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که با انقلاب اسلامی چرخش «از» گفتمان «غربی و غیراسلامی» به گفتمان «دینی و اسلامی» رخ می‌دهد و روند سیاست‌گذاری فرهنگی پس از انقلاب اسلامی نیز در دو گفتمان «سنتی انقلابی» و «توسعه‌ای لیبرال» قابل تقسیم بندی است که در دهه ۱۳۷۰ این تغییر «در» گفتمان به‌وجود آمده. همچنین از پژوهش‌های مهم در این زمینه مقاله پورزکی (۱۳۹۸)، است که به گفتمان‌ها در درون فراگفتمان جمهوری اسلامی از ابتدای انقلاب توجه کرده و مواجهه این گفتمان‌ها با یکدیگر، سنخ‌شناسی مواجهات گفتمانی و بررسی تحولات در رقابت‌ها و مواجهات را بررسی کرده که سه نوع مواجهه میان این گفتمان‌ها وجود داشته است: مواجهه پساسیاسی در دهه ۶۰، مواجهه اگونیستیک در دهه ۷۰، و مواجهه آتاگونیستی در دهه ۸۰. همچنین می‌توان به پژوهش جدید امیری‌فرد (۱۴۰۳) اشاره کرد که با تمرکز بر پنجمین دوره انتخابات ریاست جمهوری به این موضوع توجه کرده که هاشمی رفسنجانی با محوریت قرار دادن توسعه اقتصادی، قرائتی از اسلام و ارزش‌های دینی ارائه داد که در جهت بهبود وضعیت اقتصادی و سازندگی بود و توانست در خطبه‌های نماز جمعه تهران افکار عمومی را جلب کند چنین کاری از منظر گفتمانی «سازندگی» و «بازسازی کشور» را به منزله ارزش دینی صورت‌بندی کرد و تغییر کانون گفتمان اسلام سیاسی را ایجاد نمود. در پژوهشی دیگر،

انصاری و همتی‌نژاد (۱۳۹۹) به بررسی تحولات مفهومی امر انقلابی در گفتمان اصلاح‌طلبی، برای تبیین معنادار رابطه میان امر انقلابی‌گری و اصلاح‌طلبی پرداختند و رحلت امام خمینی، را مبدایی برای گفتمان جمهوری اسلامی می‌داند که راه برای برداشت‌ها و تفاسیر متفاوت باز کرد که نتیجه آن، شکل‌گیری دو طیف سیاسی رقیب با عنوان «اصلاح‌طلب» و «اصول‌گرا» شد. در این میان «امر انقلابی» مورد توجه قرار گرفته است و در گفتمان اصلاح‌طلبی به‌جای تأکید بر دال‌هایی چون عدالت‌محوری، به عناصری همچون مردم‌سالاری، آزادی، توسعه سیاسی و قانون‌مداری توجه شد. به‌واقع این گفتمان، تداوم تحولاتی است که پس از برآمدن گفتمان سازندگی ایجاد شد. همچنین، عباسی و مجد (۱۴۰۱) در پژوهش مهم خود، به «عرفی‌شدن دین» در ایران پرداختند که از بحث‌برانگیزترین تحولات فکری و سیاسی و اجتماعی در جمهوری اسلامی است. آنان بر این نظرند که دین گفتمان غالب در عرصه‌های گوناگون سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و همچنین فردی و اجتماعی است و بنابراین تمامی لایه‌های معرفتی، الگوی رفتاری و کرداری، ذهنی و آفاقی ایرانیان دینی است. بر این اساس، تحولات گفتمانی نمی‌تواند زمینه عرفی‌شدن را در ایران فراهم کند. از نگاهی دیگر، موضوع پژوهش نورپور و دیگران (۱۴۰۰) بررسی تحولات مجازات‌های بدنی در دهه اول انقلاب اسلامی و تحلیل عوامل مؤثر بر آن است. بر این مبنای، آنان گفتمان مسلط پس از انقلاب را در عرصه حقوق جزا، گفتمان شرع‌گرایی می‌دانند که اثرات و تحولات آن را در عرصه حقوق جزا، بر مبنای این تحول دنبال می‌کنند. این پژوهش، نشان می‌دهد که گفتمان انقلاب اسلامی، در عرصه‌های غیرسیاسی نیز هژمونی پیدا کرده است.

وجه نوآوری این پژوهش، آن است که در عین توجه به تحول گفتمانی، به این مسئله توجه دارد که از یک‌سو، این تحول بنیادی‌ترین تحول گفتمانی در انقلاب اسلامی است. به نحوی که دقیقاً می‌توان جمهوری اسلامی را به دوره پیش و پس از آن تقسیم کرد و ریشه تمامی تحولات گفتمانی آتی را در آن دید. از این‌رو، پرداختن به این تحول در نظام معنایی، اهمیت بسیاری برای درک دقیق‌تر چرخش‌های آینده در جمهوری اسلامی دارد و درعین حال مرزبندی‌های سیاسی را باید در دل این چرخش ملاحظه و مطالعه نمود. موضوعی که کمتر مورد توجه پژوهش‌های پیشین بوده است.

۳. مبانی نظری: تحلیل گفتمان

این پژوهش، از گفتمان لاکلا و موف به عنوان رویکرد نظری بهره می‌برد. باید توجه داشت که یکی از مهم‌ترین و کاربردی‌ترین چهارچوب‌های نظری و نیز روش‌های تحلیلی در رشته علوم سیاسی تحلیل گفتمان است که به سبب داشتن مؤلفه‌های متعدد و نیز دارا بودن انعطاف در ارائه تحلیل در شرایط مختلف، می‌تواند بسیاری از تحولات سیاسی، فکری و اجتماعی را در یک نظام سیاسی مورد بحث و تحلیل قرار دهد. «واژه گفتمان برگرفته از عبارت فرانسوی "Discourse" و واژه لاتین "Discourses" به معنی گفت‌وگو و محاوره گرفته شده است.» (بشیر، ۱۳۸۵: ۱۴) هرچند گاه این مفهوم «به اشتباه به جای لغاتی همچون «گفتار»، «سخن»، «مقال» و «گفته» به کار می‌رود اما معنای حقیقی گفتمان «تلازم گفته با عرف و کارکرد اجتماعی آن» است.» (رون، ۱۳۹۹: ۶۴) به بیان دیگر، می‌توان گفت که «تحلیل گفتمان بیش از هر چیز دیگر می‌کوشد تا معنا را کشف کند.» (شیرودی و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۲۵)

همچنین «گفتمان به چهارچوب و استخوان‌بندی نظری و فکری هر مکتب و تفکر گفته می‌شود که اعمال پیروان آن را سازمان‌دهی و هدایت می‌کند.» (ستاری دستنایی و دیگران، ۱۴۰۱: ۹۲). نخستین بار، این زلیک هریس بود که در ۱۹۵۲ اصطلاح «تحلیل گفتمان»^۱ را به کار برد (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۸). تحلیل گفتمان «شامل تحلیل ساختار زبان گفتاری مانند گفت‌وگوها، مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها و تحلیل متن، شامل تحلیل ساختار زبان نوشتاری مانند مقاله‌ها، داستان‌ها و گزاره هاست. پس از زلیک هریس، بعضی زبان‌شناسان، تحلیل گفتمان را در معانی متفاوتی به کار گرفتند. این گروه معتقد بودند که تحلیل گفتمان، بیشتر به کاربرد یا ساختار جمله و کشف و توصیف روابط آن می‌پردازد. به عبارت دیگر، تحلیل گفتمان نزد این عده عبارت بود از شناخت رابطه جمله‌ها با یکدیگر و نگرستن به کل آن چیزی که نتیجه این روابط است.» (فاضلی و کردونی، ۱۳۸۷: ۱۳۳)

صاحب‌نظران از «تحلیل گفتمان» یا «گفتمان‌کاوی» نیز، به عنوان رویکردی بینارشته‌ای، تعریفی یکسان و دقیق ارائه نداده‌اند و «هیچ اجماع روشنی درباره چستی گفتمان‌ها و نحوه

^۱. Discourse Analysis

عملکرد و نحوه تحلیل آن‌ها وجود ندارد. هر دیدگاهی پیشنهادهای خود را عرضه می‌کند و تا حدودی نیز بر سر «گفتمان» و «تحلیل گفتمان» به شمار آوردن تعاریف خود با دیگر دیدگاه‌ها رقابت دارد» (رون، ۱۳۹۹: ۶۴). «تحلیل‌گران گفتمان می‌خواهند بفهمند که انسان‌ها چگونه از زبان برای ارتباط با هم استفاده می‌کنند و زبان چگونه به روابط آن‌ها با هم و با نهادهای اجتماعی شکل می‌دهد» (آسابرگر، ۱۳۹۸: ۲۲).

«زمینه وسیعی که گفتمان برای تحلیل سیاسی ایجاد می‌کند، دامنه اندیشه و عمل را در بر می‌گیرد چرا که مبنای اصلی گفتمان درک اندیشه انسان‌ها از پس ساختار ذهنی آن‌هاست و ساختار سیاسی و اجتماعی‌ای که از قبل آن ایجاد می‌شود. بنابراین، با درک مناسب از مقوله گفتمان می‌توان از آن به عنوان روشی کارآمد استفاده کرد. واقعیت این است که گفتمان نیز همانند بسیاری از مفاهیم اجتماعی دیگر معنای خیلی روشنی ندارد. این امر از آن رو است که مفاهیم اجتماعی مفاهیمی در بسته و سر بسته نیستند و تابعی از نظام زبانی و معنایی ذهنی جامعه‌اند. این سیالیت به علاوه کاربرد وسیع و بعضاً غلط این واژه‌ها باعث ایجاد سوءبرداشت‌های معرفتی می‌شود. با این حال، فی‌الجمله می‌توان مفهوم آن را از صاحبان اندیشه جویا شد» (عامری گلستانی و قادری، ۱۳۹۱: ۱۳۳).

مهم‌ترین اهداف تحلیل گفتمان عبارتند از:

۱. نشان دادن رابطه بین نویسنده متن و خواننده؛ ۲. روشن ساختن ساختار عمیق و پیچیده تولید متن، یعنی «جریان تولید گفتمان»؛ ۳. نشان دادن تأثیر بافت متن (واحدهای زبانی) و بافت موقعیتی (عوامل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، تاریخی و شناختی) بر گفتمان؛ ۴. نشان دادن موقعیت و شرایط خاص تولیدکننده گفتمان (شرایط گفتمان)؛ ۵. نشان دادن بی‌ثباتی معنا. یعنی معنا همیشه در حال تغییر است، هرگز کامل نیست و هیچ وقت به طور کامل درک نمی‌شود؛ ۶. آشکار ساختن رابطه بین متن و ایدئولوژی، تحلیل گفتمان از بدو پیدایش همواره در صدد بوده است تا نشان دهد که هیچ متن، گفتار یا نوشتاری بی‌طرف نیست، بلکه به موقعیتی خاص وابسته است. این امر ممکن است کاملاً عمدی و ناآگاهانه باشد؛ ۷. هدف عمده تحلیل گفتمان این است که تکنیک و روش جدیدی را در مطالعه متون، رسانه‌ها فرهنگ‌ها، علوم، سیاست، اجتماع و ... به دست آورد.» (کلاتری و دیگران، ۱۳۸۸:

(۱۳)

براساس نظریه گفتمان، هویت‌ها تابع گفتمان‌ها هستند و از آنجا که در گفتمان، حقیقت مطلق وجود ندارد، هویت‌ها نیز در درون گفتمان‌ها شکل می‌گیرند و با متحول شدن آن‌ها تغییر می‌کنند. احساسی که نسبت به یک گفتمان یا نسبت به آن در جوامع شکل می‌گیرد بخش اعظم تشکیل دهنده هویت است. احساسی که یک فرد یا گروه بر اساس نوع بینش و نگرش خود، تعلق جغرافیایی و دینی، تاریخ مشترک، قلمرو، زبان، هنر و میراث علمی و ادبی مشترک به یک جریان فکری، سیاسی و اجتماعی پیدا می‌کند از عناصر پیوند دهنده هویت است و موجب پیوستگی و همراهی و چسبندگی اعضای یک جامعه به یکدیگر می‌شود. درعین حال، هویت دارای بعد سلبی یعنی جداکننده نیز هست. آنچه که یک هویت را از دیگرها بیگانگان و دشمنان (غیریت‌سازی) جدا می‌کند به اندازه عناصر تشکیل دهنده هویت اهمیت دارد. (امیری، ۱۴۰۲: ۹۰)

۴. نگاهی به گفتمان انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ایران اولین نشانه‌هایی از «شکل‌گیری بازیگران انتقادی و هویت مقاومت در برابر چالش‌های اجتماعی و اقتصادی جهان مدرن از خودبیگانه شده دانست. هر انقلاب سیاسی دارای شاخص‌ها و سازوکارهای خاص خود می‌باشد. انقلاب ایران به لحاظ ساختار، محتوا، استراتژی و تاکتیک با تمامی انقلاب‌های لیبرالی و سوسیالیستی جهان متفاوت بوده است. اندیشه سیاسی و جهت‌گیری کنش انقلابی ایران نیز دارای نشانه‌هایی از تفاوت و تمایز با انقلاب روسیه، چین، کوبا و نیکاراگوئه بوده و به همین دلیل از سازوکارهای متفاوت کنش‌گری محیط منطقه‌ای برخوردار بوده است.» (اکرمی‌نیا، ۱۴۰۱: ۲۶-۲۷)

مدل انقلابی ایران «اولاً ماهیت معناگرایانه داشته، ثانیاً اجتماع‌محور بوده، ثالثاً در فضای اجتماعی و ساختاری ظهور پیدا کرد که نشانه‌هایی از گسست ساختاری در آن مشاهده می‌شد، رابعاً بازنمایی اجتماعی جامعه را به وجود آورده و نکته آخر آن است که می‌توان آن را پایان جنبش‌های اجتماعی انقلابی و رادیکال دانست» (اکرمی‌نیا، ۱۴۰۱: ۲۸). بر این اساس، و با توجه به ویژگی‌های «مدل انقلابی» ایران، باید به این نکته توجه داشت که این مدل انقلابی به تولید یک گفتمان کلان منجر شد که با در نظر داشتن مؤلفه‌های انقلابی خود، و پیوند آن‌ها با یکدیگر در قالب یک گفتمان توانست «علاوه بر دستیابی به هژمونی کاملی بر جامعه و سیاست ایرانی، منشأ تحولات مهمی شد. بنیان این گفتمان، اندیشه و نظریه سیاسی

امام خمینی (ره) بوده است. در طول حیات نظام جمهوری اسلامی، تحت تأثیر تحولات و اقتضائات ملی و فراملی از یک طرف و بنیان‌های فکری و سیاسی از طرف دیگر، خرده‌گفتمان‌هایی از سوی دولت‌های روی کار آمده ارائه شد که مبنای سیاست‌ورزی آن‌ها قرار گرفته. اصل و اساس این گفتمان، که خرده‌گفتمان‌های درون آن نیز سعی در تداوم آن به صورت‌های مختلف دارند، «اسلام سیاسی» است. خود اسلام سیاسی را باید گفتمانی کلان‌تر دانست که نه تنها در ایران، بلکه در بسیاری از جوامع اسلامی در قرن بیستم شکل گرفت» (پروانه، ۱۳۹۴: ۸۸).

این گفتمان مدعی است که «اسلام نظریه سیاسی راجع به دولت و سیاست دارد و از منظر این گفتمان بازگشت به پیام و با آموزه‌های اسلام به عنوان تنها راه حل بحران‌ها و چالش‌های معاصر تلقی می‌شود» (ناظمی اردکانی و خالدیان، ۱۳۹۷: ۷۳). این گفتمان، «اساساً اندیشه و عمل مسلمانان را در واکنش به سیاست و مسائل بین‌المللی بازتاب می‌دهد و اگرچه امروزه رنگ و بوی ایدئولوژیک به خود گرفته است، باید این را به خاطر داشت که به لحاظ تاریخی از زمان نخستین رویارویی اندیشه‌ورزان مسلمان با غرب و آموزه‌های جدید برآمده از تمدن غربی مطرح شد» (ناظمی اردکانی و خالدیان، ۱۳۹۷: ۷۷). تفسیر مهمی که از اسلام سیاسی در ایران شکل گرفت، و آن را بر فقه سیاسی مبتنی ساخت، منجر به ساخت گفتمان «اسلام سیاسی فقهاتی» شد و بر مبنای آن انقلاب اسلامی شکل گرفت. در این گفتمان «اندیشه سیاسی را در ایران، جهان اسلام و حتی بنا به اظهار صاحب‌نظران برجسته، در مغرب زمین وارد مرحله جدیدی کرد و بر خلاف فرایند چند صدساله مسلط سکولاریسم در جهان در فرایندی معکوس، نه تنها باعث پیروزی انقلاب اسلامی ایران شد، بلکه الگویی الهام‌بخش از رابطه دین و سیاست برای ایجاد تغییرات اجتماعی، نظام‌سازی سیاسی و استمرار آن ارائه نمود. آنچه این گفتمان را تأثیرگذار کرد، مبانی و شاخص‌های محکم اندیشه‌ای برگرفته از دین اسلام بود.» (نظری و دیگران، ۱۴۰۰: ۳۱-۳۲).

با وقوع انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی (ره) «به عنوان رهبر این انقلاب به احیای گفتمان اسلام سیاسی روی آورد و گفتمان اسلام سیاسی فقهاتی را در مرکز سیاست‌گذاری قرار داد. ایشان بر بُعد سیاسی آموزه‌های اسلامی مبتنی بر تفسیر مکتب شیعه و پیوند دین با سیاست تأکید کرده و در همین راستا هدف نهایی انقلاب را که به بیان ایشان ماهیتی کاملاً

اسلامی داشت، بازگرداندن هویت اسلامی به ایران ذکر کردند» (پیشین: ۳۲). اساساً گفتمان اسلام‌گرایی را باید یکی از مهم‌ترین گفتمان‌های تاریخ معاصر ایران دانست که از دهه ۱۳۲۰ به بعد «شامل دو جریان، اسلام سنتی و اسلام سیاسی بود. اسلام سنتی دارای وجه سیاسی کم‌رنگی بود و بیشتر بر ابعاد فرهنگی تأکید داشت. برخلاف آن اسلام سیاسی بر وجه اعتراضی و سیاسی اسلام تأکید داشت. به طور کلی از منظر اسلام سیاسی حکومت نمادی از حاکمیت الهی است و باید ویژگی‌های آن را با خود داشته باشد. در اینجا الهی بودن حکومت از طریق نظارت روحانیت و رهبری فقیه تضمین می‌شود. رهبر در اسلام سیاسی، کانون متعالی قدرت محسوب شده و در کنار مقبولیت مردمی از مشروعیت الهی برخوردار است.» (هنری و آزر می، ۱۳۹۲: ۱۰۵) نکته بسیار مهم آن است که در رویکرد ایرانی به اسلام سیاسی، این «فقه» و در حقیقت «فقه سیاسی» است که به دنبال معنادگی به این اسلام سیاسی و مرکز آن است. بنابراین، فقه شیعه با رنگ و بویی بیشتر از گذشته سیاسی، به عرصه وارد می‌شود و در این میان این نکته حائز اهمیت است که اسلام فقه‌ای تنها تفسیر اسلام سیاسی است که به رهبری امام خمینی (ره) موفق به تشکیل حکومت مبتنی بر قوانین اسلام در ایران شد.

۵. نظام معنایی خرده‌گفتمان دفاع مقدس

خرده‌گفتمان دفاع مقدس، که گاه از آن به «چپ اسلامی» یا «چپ ارزش‌مدار» نیز تعبیر می‌شود نخستین گفتمانی که پس از هژمونی گفتمان اسلام سیاسی در درون آن روی کارآمد (فلاح‌نژاد، ۱۴۰۰: ۱۴) و نشانه‌های آن انگاره‌هایی چون: «حقانیت اسلام»، «حاکمیت فقه و اصالت روحانیت»، «تأکید بر ولایت فقیه»، «عدالت اجتماعی»، «بازتوزیع ثروت و دارایی‌ها»، «اقتصاد دولتی»، «باور به امت واحده اسلامی»، «استکبارستیزی و پشتیبانی از مستضعفان جهان»، «دگرسازی با غرب و به‌ویژه ایالات متحده»، «پشتیبانی از فلسطین و دگرسازی با رژیم صهیونیستی»، «بدبینی به سازمان‌های بین‌المللی و ... قابل جست‌وجو بود (مرادی و کلانتری، ۱۴۰۰: ۳۵۹-۳۶۰). در این میان می‌توان از انگاره‌های ولایت فقیه و عدالت اجتماعی به‌عنوان نشانه‌های مرکزی این خرده‌گفتمان یاد کرد. به‌واقع این خرده‌گفتمان، پیروزی جریان‌پوی خواهان بازگشت به سنت، در برابر جریان خواهان آزادی‌های سیاسی و مدنی بود (فلاح‌نژاد، ۱۴۰۰: ۱۴).

جنگ موجب شد این خرده‌گفتمان «طی یک دهه گفتمان مسلط جامعه ایران گردد. در این فضا بود که مفاهیم و واژگانی چون «راست» و «چپ» در عرصه سیاسی با تدبیر حضرت امام (ره) و با توقف و تعطیلی کار حزب جمهوری اسلامی و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی به حاشیه رانده شد» (دارابی، ۱۳۸۲: ۱۸۶). چرا که «با هجوم رژیم بعثی عراق به ایران، علی‌رغم نبود یک ارتش منسجم در کشور و هرج و مرج داخلی، در این دوران، با فروکش کردن اختلافات داخلی و شکل‌گیری بسیج عمومی از تمام اقشار جامعه، تقویت روحیه خودباوری و خوداتکایی با توجه به ارزش‌های انقلاب اسلامی و به دنبال آن با شکوفایی استعدادها و همچنین افزایش اعتماد به نفس نیروهای انقلابی، در نهایت، جنگ هشت ساله عراق علیه ایران، تثبیت و تداوم انقلاب اسلامی را به ارمغان آورد» (اکبرزاده و دیگران، ۱۴۰۲: ۷۷).

«تصمیم بر دفاع از منافع کشور با هجوم رژیم بعثی عراق، علی‌رغم سختی‌ها و مشکلات موجود، با توجه ایدئولوژی انقلاب اسلامی و رویکرد رهبر انقلاب، جنگ عراق علیه ایران را جنگ با ارزش‌ها و هنجارهای انقلاب می‌دانستند، بنابراین نه تنها نیروهای نظامی بلکه عموم مردم را به بسیج شدن برای دفاع از کشور و ایدئولوژی انقلاب تشویق کردند. بنابراین باید گفت که اگرچه جمهوری اسلامی به صورت رسمی از ابتدای سال ۱۳۵۸ شکل گرفته و در مسیر تثبیت خود بود، اما با برآمدن اختلافات عدیده دو سال ابتدایی خود و وجود خرده‌گفتمان‌های متعارض با خود، در تثبیت گفتمان‌ش دچار اشکالاتی شده بود. برآمدن گفتمان دفاع مقدس موجب شد که جمهوری اسلامی، از دل گفتمان کلان خود بتواند راهی را برای تثبیتش پیدا کند. در این میان آغاز دفاع مقدس، نقش بسیار مهمی در تثبیت انقلاب اسلامی داشت و چنانکه در ادامه خواهد آمد، دال‌های مفصل‌بندی شده در این خرده‌گفتمان، به شدت به تثبیت رویکرد اصلی آن به جامعه، سیاست و حکومت کمک شایانی کرد» (ترابی، ۱۳۸۵: ۵).

خرده‌گفتمان دفاع مقدس را باید مهم‌ترین خرده‌گفتمان انقلاب اسلامی دانست که در نسبت با آن قرار دارد. به این معنا که چون این خرده‌گفتمان، از نظر زمانی در نزدیک‌ترین فاصله با گفتمان انقلاب اسلامی قرار داشت، صورت‌بندی بسیار نزدیکی با آن داشت. بر این اساس باید توجه داشت که «به طور کلی، وقوع جنگ تحمیلی که با مسئله انقلاب اسلامی

انفکاک‌ناپذیر است، رابطه‌ای دوسویه میان این دو برقرار شد که باعث نهادینه شدن هویت شکل گرفته در گفتمان انقلاب اسلامی و همچنین بیداری ملت شد. در دوران جنگ تنها عاملی که می‌توانست مردم را برای مقابله با تهدیدات پیش‌رو و همچنین پیشبرد اهداف انقلاب بسیج کند، اسلام و آرمان‌های انقلاب بود، اسلام به عنوان محور اصلی هویت ملی در دوره بعد از پیروزی انقلاب، مورد توجه قرار گرفت و به تبع آن نیز در دوران جنگ عراق علیه ایران، با اسلام و هدایت و رهبری امام خمینی (ره) پیونده خورده بود» (ولی‌پور زرومی، ۱۳۸۴: ۱۰۰-۱۰۱).

در این دوره هم نیرو، توان و ظرفیت‌های موجود در کشور «صرف تثبیت و استقرار هر چه بیشتر جمهوری اسلامی و به تبع آن، برقراری آرامش و امنیت در ایران و حفظ تمامیت ارضی آن شده است. طی این دوران هشت ساله، گفتمان رسمی و حاکم بر دولت‌ها، بازتاب وحدت فزاینده در مقابل بحران‌ها، دشمن داخلی و به خصوص دشمن خارجی است و فضای آشوب‌زده و انتقالی که با ترور، خصومت، تفرقه‌افکنی، تحریک، خرابکاری و حمله ارتش بعضی به مرزهای کشور در هم آمیخته است» (طلوعی و تفضلی، ۱۴۰۰: ۳۲-۳۳).

این موارد، همگی موجب شد تا خرده‌گفتمان دفاع مقدس، نقش مهمی در زمانه خود داشته و جای بسیار اساسی و بنیادینی را در گفتمان انقلاب اسلامی ایفا کند و «نظام معنایی» خاص خود را ایجاد کند. این نظام معنایی، برآمده از مبانی نظری انقلاب اسلامی بود و پنج ویژگی داشت: ۱. داشتن جنبه عینی؛ ۲. ریشه داشتن در گذشته مذهبی و ملی ایرانیان؛ ۳. تجلی یافتن در دوره‌ای معین (جنگ)؛ ۴. تبلور خاص و آرمانی در قشرهایی که بیشترین ارتباط اختیاری را با جنگ داشتند؛ ۵. داشتن بار معرفتی خاص در افراد (فاضلی کبریا و نهادی، ۱۳۹۶: ۱۴).

به‌واقع «جنگ تحمیلی و انقلاب اسلامی دو رویداد متصل و هم‌سو با هم برای علاقه‌مندان و پیروانش راهی برای رستگاری و عروج به ملکوت بود. امام خمینی (ره) به‌عنوان یک مرجع و رهبری عالی دینی واجد سرمایه نمادین، با تکیه بر خصلت صلابت، با زبانی ساده و قابل فهم برای توده‌ها سخن می‌گفتند و در بحبوحه انقلاب با تصمیمی قاطع برنامه خود را مبنی برکناری شاه و سلطنت اعلام کردند» (استوار، ۱۴۰۱: ۱۳۷). این مسائل، بیان‌کننده یکی از وجوه اصلی گفتمان انقلاب اسلامی است که در خرده‌گفتمان دفاع مقدس

نیز به وجه بسیار بارزی «برجسته‌سازی» شد و آن «ایدئولوژی اسلامی» انقلاب. این ایدئولوژی که در رقابت ایدئولوژیک با دیگر رقبا، خود، به ویژه ایدئولوژی‌های گوناگون مارکسیستی (از نوع اسلامی و غیراسلامی) آن به پیروزی رسیده بود، یکی از عوامل مهم هژمونیک شدن انقلاب اسلامی و شکل‌گیری جمهوری اسلامی بود.

این نکته در در وجه ایدئولوژیک انقلاب اسلامی حائز اهمیت است که «ایدئولوژی یکی از شاخص‌های اصلی فرهنگ اجتماعی در هر کشوری بوده که تأثیر خود را در روند جنگ تحمیلی به جا گذاشته است. انقلاب اسلامی ایران، ایدئولوژی شیعه را بازتولید نموده و آن را در راستای مقابله با تهدیدات ساختاری، منطقه‌ای و بین‌المللی به کار گرفت. نشانه‌ای اصلی ایدئولوژی انقلاب اسلامی در مذهب شیعی بوده که بر نشانه‌هایی از شهادت، مقاومت، تحرک اجتماعی، حضور در صحنه‌های نبرد و مقابله با دشمن تأکید داشته است». همچنین «بعد دوم ایدئولوژی انقلاب اسلامی بر نشانه‌هایی از تمایز قرار دارد. تمایز را می‌توان در فضای دوستی، دشمنی، تهدیدات و رقابت‌های ژئوپلیتیکی مورد توجه قرار داد. دوگانه‌سازی مفاهیمی همانند «حق و باطل»، «مستضعفین و مستکبرین» و «صدام حسین و کربلا» در زمره نشانه‌های تمایز در ادبیات سیاسی و راهبردی ایران دوران دفاع مقدس بوده است» (پوستین‌چی، ۱۴۰۱: ۱۱۵).

۶. نظام معنایی خرده‌گفتمان سازندگی

«پایان جنگ عراق علیه ایران و پذیرش قطعنامه ۵۹۸، رحلت امام خمینی (ره)، بازنگری قانون اساسی، انتخاب هاشمی رفسنجانی به ریاست جمهوری، خرابی‌های جنگ، نابودی مراکز تولید، محاصره اقتصادی و نابسامانی‌های اقتصادی در سطح داخلی از یک‌سو، فروپاشی اتحاد شوروی و گشایش ناشی از پایان جنگ سرد در سطح بین‌المللی» (ازغندی، ۱۳۸۱، ۱۵) اصلی‌ترین زمینه‌های شکل‌گیری این خرده‌گفتمان و سرآغاز یکی از مهم‌ترین تحولات سیاسی در جمهوری اسلامی است. موضوعی که مخالفان این گفتمان، آن را به مثابه انحرافی بزرگ در گفتمان انقلاب اسلامی تلقی می‌کنند. بر این اساس، مهم‌ترین محورهای گفتمان سازندگی، که درعین حال، نظام معنایی آن را برساختمند، چنین بودند: «۱. خصوصی‌سازی صنایع، معادن و دیگر فعالیت‌های تولیدی صنعتی و غیرصنعتی؛ ۲. تسهیل فعالیت اقتصادی و خدمات بانکی و مالی؛ ۳. فعال‌سازی، توسعه و نوسازی بورس اوراق بهادار تهران؛ ۴. تشویق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی؛ ۵. استقرار خارجی؛ ۶. تأسیس مناطق آزاد تجاری در سراسر کشور؛ ۷.

کاهش ارزش برابری ریال در برابری ارزهای عمده خارجی؛ ۸. کاهش تدریجی یارانه‌ها؛ ۹. آزادسازی تجارت و بازگرداندن آن به بخش خصوصی؛ ۱۰. بازگرداندن سرمایه‌ها و متخصصان ایرانی مقیم خارج از کشور» (اسماعیلی، ۱۳۸۲: ۲۶۴-۲۶۵).

«در این دوره، به علت اینکه جمهوری اسلامی ایران به دنبال ایفای نقش‌هایی چون دولت توسعه‌یافته، دولت سرمشق، قدرت منطقه‌ای و... بود توسعه اقتصادی به عنوان دال قانونی اقدامات دولت قرار گرفت. به واقع در دوران پساجنگ تحمیلی، منافع قدرت ملی در حوزه اقتصاد و دفاع، بر منافع معطوف به نظم جهانی و ایدئولوژیک اولویت پیدا نمود، به گونه‌ای که رشد و توسعه اقتصادی به عنوان اولویت اول سیاست داخلی و خارجی جمهوری اسلامی ایران مدنظر قرار گرفت» (باقری دولت‌آبادی و ابراهیمی، ۱۳۹۵: ۱۴۱).

در نتیجه چنین وضعیتی «فن‌سالاران یا تکنوکرات‌ها، در قالب حزب دولت‌ساخته کارگزاران سازندگی، بخش عمده و اصلی اداره کشور را از آن خود کردند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۱۹۲). فضای سیاسی پس از جنگ و طرح برنامه بازسازی، منطق خودپایدار و برآمده از ضرورت جنگ را داشت. «اقتصاد درحال سقوط، نخبگان سیاسی کشور را مجبور به اجماع سریع غیرمعمول پیرامون دو موضوع کرد: یکی بحث جانشینی امام و دیگری تدوین برنامه‌ای برای ترمیم و بازسازی خسارات ناشی از جنگ و احیای پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های به تأخیر افتاده. دوره بازسازی گرایش‌هایی را که در شرف وقوع بودند، تسریع بخشید؛ گذار از انقلابی‌گری به عادی‌سازی، اما به‌هرحال، فرایند عادی‌سازی نه آرام بود و نه کاملاً موفقیت‌آمیز.» (حاجی ناصری و دیگران، ۱۴۰۱: ۷-۸).

چنین وضعیتی، زمینه مهمی برای تغییر گفتمانی را در جمهوری اسلامی فراهم کرد که از آن می‌توان به «تحول نظام معنایی» نام برد. چرا که تحول ایجادشده، اگرچه مبتنی بر ضروریات بسیار مهمی برای کشور بود، اما باید توجه داشت که زمینه تحولاتی را در جامعه و حکومت ایجاد کرد که بیش از همه باید آن را در «نظام معنایی گفتمانی» دید. چرا که در رویکردی، «اشکال عمده گفتمان سازندگی همانا تکیه صرف بر توسعه اقتصادی و بی‌توجهی به «عدالت و معنویت» و به حاشیه راندن «فرهنگ و آزادی» بود. شعار اصلی تکنوکرات‌ها بر پایه سازندگی و آبادانی کشور بود و به عوامل تأثیرگذار آن توجه لازم را نداشتند» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۱۹۲). براساس چنین چشم‌اندازی، در ادامه به بحث اصلی، یعنی «تحول

نظام معنایی در خرده گفتمان دفاع مقدس» یا به تعبیر دقیق تر، گفتمان انقلاب اسلامی پرداخته خواهد شد.

۷. تحول نظام معنایی در خرده گفتمان دفاع مقدس با شکل گیری خرده گفتمان سازندگی

یکی از روندهای گفتمانی در شکل گیری گفتمان های جدید، به حاشیه رانی است. خرده گفتمان سازندگی توانست با برجسته سازی رشد و توسعه اقتصادی و مرکزیت دادن به آن، مفصل بندی جدید خود را شکل داده و در عین حال یکی از مهم ترین کارهایی که در این زمینه صورت گرفت، به حاشیه رانده شدن هویت ایدئولوژیک در خرده گفتمان دفاع مقدس بود که موجب شد تا کل آن به نوعی کنار گذاشته شود. این موضوع، برآمده از تحول اساسی در نظام معنایی خرده گفتمان دفاع مقدس بود که زمینه ساز تحولات عمده در دوره سازندگی شد.

در ابتدا باید توجه داشت که، خرده گفتمان دفاع مقدس، تا پایان جنگ تحمیلی مبنای حکمرانی جمهوری اسلامی ایران بود و پایان جنگ و تغییراتی که در رهبری نظام و ساختار سیاسی جمهوری اسلامی صورت گرفت، را می توان نقطه پایانی بر این گفتمان و شروع گفتمانی جدید به نام توسعه گرایی حول محور استقلال به عنوان یکی دیگر از عناصر اساسی گفتمان انقلاب اسلامی تلقی کرد (خلیلی، ۱۳۹۹: ۲۴).

بخشی از این به حاشیه رانی نیز بر «زمینه و زمانه داخلی و بین المللی» استوار بود که «بر نوع گفتمان و ساختار سیاسی دولت سازندگی تأثیر مهمی داشته است. در خرده گفتمان دفاع مقدس و اساساً در دهه اول انقلاب، «الگوی توسعه ای نیز که مورد توجه بود راهبردی بود که برای دستیابی به استقلال اقتصادی اتخاذ شده، و اساس آن «راهبرد جایگزینی واردات» بود. براساس این راهبرد درون گرا، تلاش شد با اتکا بر منابع و امکانات داخلی یا حداقل تعامل و ارتباط با اقتصاد بین الملل و بازار جهانی، تولیدات داخلی به میزانی افزایش یابد که کشور از واردات خارجی بی نیاز گردد» (کلوانی نیتل و دیگران، ۱۳۹۷: ۷۷).

بر مبنای نظام معنایی گفتمانی جدیدی که در این دوره شکل گرفت، خرده گفتمان سازندگی، «با هدف توسعه اقتصادی، «اقتصاد آزاد»، «کاهش مداخله دولت در اقتصاد» و «تعامل بین المللی به نفع توسعه اقتصادی» را در دستور کار قرار داد. آزادسازی اقتصادی و

کاهش نقش دولت در اقتصاد، کلید اصلی برنامه احیای اقتصادی محسوب می‌شد. هدف اصلاحات اقتصادی، بالا بردن نقش بخش خصوصی در اقتصاد کشور بود» (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۴۵۴). هاشمی رفسنجانی، سردمدار و نماینده اصلی خرده‌گفتمان سازندگی با به حاشیه راندن بخش مهمی از سیاست‌های اقتصادی خرده‌گفتمان دفاع مقدس، بر آن بود که «اقتصاد دولتی جز عقب‌نگه داشتن کشور، کار دیگری نمی‌تواند بکند. باید اجازه داد، افراد خود دست به فعالیت بزنند و چرخ اقتصادی کشور را به حرکت در بیاورند» (سپهر و دیگران، ۱۴۰۲: ۸۰).

به این موضوع مهم نیز باید توجه داشت که «مدل توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی را تا سال ۱۳۶۸ می‌توان مدل توسعه درون‌گرا و راهبرد آن را «جایگزینی واردات» نامید. در این دوران اقتصاد کشور مبتنی بر برنامه ریزی دولتی بر پایه خودکفایی و خوداتکایی داخلی بود و میزان دخالت دولت در آن بسیار بالا بوده و تلاش می‌شد با اتکاء بر منابع داخلی با حداقل تعامل با نظام بین‌الملل، کشور از واردات خارجی بی‌نیاز شود. لذا، کشور براساس این مدل با توجه به شرایط ویژه جنگ، حداقل ارتباط و تعامل را با نظام بین‌الملل داشته است. با پایان جنگ عراق علیه ایران در سال ۱۳۶۷ و ضرورت بازسازی کشور، مدل اقتصادی از «دولت‌محور» بودن به سمت «اقتصاد بازار» حرکت کرد و اصطلاحاً سیاست «تعدیل» در پیش گرفته شد و توسعه برون‌گرا مورد توجه قرار گرفت و راهبرد «توسعه صادرات» باعث شد که تلاش زیادی برای تعامل با جهان خارج صورت گیرد» (سجادپور و نوریان، ۱۳۸۹: ۶۰). این موضوع، خود نقش مهمی در تحول این نظام معنایی داشت: اتکای بیشتر به بیرون به جای درون. چیزی که بعداً، با در نظر داشتن برخی ناکامی‌ها در سیاست داخلی و نیز با ترویج مفاهیم و مقولاتی چون «مقاومت» و «گفتمان مقاومت» مذموم تلقی شد. از این‌رو، اگرچه اساس چنین رویکردی در سیاست داخلی در جمهوری اسلامی، در عصر سازندگی و دوره بعد آن اصلاحات، پذیرفته شده بود، اما بر مبنای بازتولید دال‌های مهمی از خرده‌گفتمان دفاع مقدس، در قالب «گفتمان مقاومت» مردود و مذموم تلقی شد.

خرده‌گفتمان سازندگی موجب شد تا دولت «سیاست اقتصادی جدیدی را در دستور کار خود قرار داده تا با کنار گذاشتن روش‌های توده‌گرایی دهه ۱۹۸۰، بتواند همگرایی مستحکم‌تری را در سیستم اقتصاد سرمایه‌داری جهانی ایجاد کند. هدف این سیاست‌ها برای بازسازی اقتصاد جنگ‌زده ایران و گسترش حوزه مشارکت بخش خصوصی در اقتصاد کشور

بوده است» (اسلامیان و حبیبی، ۱۳۹۹: ۳۴۵). «این سیاست‌ها برای جبران خرابی‌های ناشی از جنگ و همچنین بهبود وضعیت اقتصادی کشور و معطوف به بازسازی زیرساخت‌ها بود. مدل توسعه خرده‌گفتمان سازندگی، استفاده از انگاره‌های مدرنیزاسیون غربی، سیاست‌های تعدیلی مبتنی بر رشد اقتصادی، کاهش دخالت دولت در اقتصاد و تاکید بر مسئله خصوصی‌سازی، حذف یارانه‌های اقتصادی، توجه به سرمایه‌گذاری و جذب سرمایه خارجی برای بازسازی و توسعه ایران در دوره پساجنگ تحمیلی و رویکرد جایگزینی واردات به توسعه صادرات بوده است» (مزدخواه و حمیدی، ۱۴۰۲: ۱۹۸).

با هژمونی خرده‌گفتمان سازندگی «اتخاذ سیاست‌های سرمایه‌دارانه، خصوصی‌سازی، تعدیل اقتصادی و حمایت از اقتصاد بازار آزاد شکل گرفت. تحت سیاست خصوصی‌سازی اقتصاد در سال ۱۳۷۰ مقرر شد همه بنگاه‌ها و شرکت‌هایی که در سال ۱۳۵۸ از جانب شورای انقلاب ملی اعلام شده بودند به بخش خصوصی واگذار شوند. سیاست اقتصادی جدید معطوف به رشد و متکی به بازار آزاد بود و از سوی دیگر در این سال‌ها سرمایه‌داری گرایش صنعتی‌تری پیدا کرد» (صحرائی و محمودی‌نیا، ۱۳۹۷: ۲۱۴). درعین‌حال، به این موضوع نیز باید توجه داشت که «اگرچه در تصور اسلامی، حکومت نقش فعالی در شکل‌دهی مجدد به جامعه دولت عهده‌دار شده است، اما عواملی چون پویایی انقلاب، جنگ، سیاست مخالفان، ناتوانی در فرمول‌بندی یک راهبرد منسجم توسعه و مداخلات کشورهای غربی، سیاست‌های آن را محدود کرده است در بیشتر موارد سیاست‌های مطلوب باید کنار گذاشته شوند یا پس از تعدیلات مهم اتخاذ گردند بوده‌اند» (عباسی و مجدی، ۱۴۰۱: ۹۵). بنابراین، این موضوع، یکی از اصلی‌ترین چرخش‌های گفتمانی در زمینه تحولات داخلی از منظر اقتصادی در جمهوری اسلامی بود.

نتیجه‌گیری

جنگ، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و طولانی‌ترین جنگ‌های تاریخ معاصر ایران، نه تنها در حوزه نظامی بلکه در ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نیز تغییرات عمده‌ای را به همراه داشت. جنگ ایران و عراق تأثیرات عمیقی بر سیاست داخلی ایران به‌ویژه در حوزه ساختار قدرت، تحولات اجتماعی و تغییرات اقتصادی بر جای گذاشت. در شرایطی که ایران پس از انقلاب اسلامی به‌دنبال تثبیت نظام جمهوری اسلامی و ایجاد ثبات در داخل کشور بود، جنگ

با عراق تحولات گسترده‌ای در عرصه‌های مختلف داخلی ایجاد کرد که این تحولات هنوز هم در روند سیاست‌گذاری‌های کشور اثرگذار است.

در این میان، تأثیر گفتمانی دفاع مقدس بر جنبه‌های مختلف سیاست داخلی جمهوری اسلامی تا سال ۱۳۷۶، موضوعی بسیار مهم برای شناخت تحولات آن در این دوره و ادوار بعدی است، چرا که گفتمان دفاع مقدس، نقش تعیین‌کننده‌ای در تثبیت جمهوری اسلامی و دفاع از آن به عنوان یک نظام سیاسی نوپا را داشته و دوره سازندگی دوره تداوم تثبیت آن از جنبه دیگر بوده و بنابراین، شناخت تأثیرات گفتمانی دفاع مقدس و تحولات گفتمانی جمهوری اسلامی ایران در دوره پس از آن حائز اهمیت زیادی است. گفتمان انقلاب اسلامی اساساً مبتنی بر یک تفسیر مهم از اسلام سیاسی در ایران بود که آن را بر مبنای فقه سیاسی شیعه قرار داد. این فرآیند را می‌توان نوعی «بومی کردن اسلام سیاسی» دانست که اگرچه ریشه در اندیشه برخی از متفکران اهل سنت دارد، اما با پی‌رنگ فقه شیعه و پیوند آن با مقوله بسیار مهم ولایت فقیه در فقه شیعه، شکل متفاوتی به آن داد و در نتیجه منجر به ساخت گفتمان «اسلام سیاسی فقه‌ای» شد.

در این میان، آغاز جنگ تحمیلی، یکی از اصلی‌ترین تهدیدات برای بقای جمهوری اسلامی بود. اساساً می‌توان گفت که یکی از عوامل محرک برای حمله رژیم بعث عراق به ایران، داشتن نوعی اطمینان از وضعیت متزلزل ایران، در پی انقلاب اسلامی بود تا بتواند با بهره‌گیری از این وضعیت و برخی ناامنی‌ها در ایران، منویات خود را در اشغال بخش‌های مهمی از سرزمین‌های ایران، به سرانجام برساند و این خطر بسیار مهلکی بود که نه تنها جمهوری اسلامی، بلکه تمامیت ارضی ایران را به مثابه یک کشور مستقل در جهان مورد خدشه قرار داده بود.

اما نکته مهمی که باید در این میان بدان توجه داشت این است که یکی از عوامل مهم در تثبیت جمهوری اسلامی و گفتمان کلان انقلاب اسلامی، همین دفاع مقدس بود. ذکر این نکته لازم است که جنگ اساساً دو رو دارد: یک روی آن تهدید کشور از همه جهت، به ویژه تمامیت ارضی است و از سوی دیگر یک عامل همبستگی میان مردم و دولت و نیز ارکان و گروه‌های سیاسی داخل حکومت است. پس از این تثبیت بود که یکی از نخستین تحولات گفتمانی در جمهوری اسلامی، البته با کمترین تغییر نسبت به گفتمان کلان انقلاب اسلامی

ایجاد شد و خرده‌گفتمانی شکل گرفت که بر حسب زمان آن، آن را «خرده‌گفتمان دفاع مقدس» نام‌گذاری کردند.

نکته بسیار مهمی را که باید در نظر داشت این است که خرده‌گفتمان دفاع مقدس، نزدیک‌ترین خرده‌گفتمان آن با گفتمان کلان انقلاب اسلامی است. یکی از مهم‌ترین دلایل چنین ادعایی آن است که نظام ارزشی موجود در دوره این خرده‌گفتمان، دقیقاً نظام ارزشی انقلاب اسلامی است و درعین حال از نظر زمانی نیز این دوره، نزدیک‌ترین زمان به انقلاب اسلامی است و مشخص است که در دوره تثبیت گفتمان انقلاب اسلامی، نقش بسیار مهمی را ایفا کرده است. با تثبیت جمهوری اسلامی، این خرده‌گفتمان، اسلام سیاسی فقهاتی را در بُعدی ایدئولوژیک تثبیت کرد و موجب شد که ایدئولوژی در آن اهمیت بسیاری پیدا کرده و برجسته شود.

بر این اساس، با برجسته شدن مفهوم مصلحت در سال‌های آخر جنگ، اندک اندک برخی از زمینه‌های گفتمانی ایدئولوژیک در این خرده‌گفتمان دچار افول شد. به این صورت بود که عنصر مصلحت، که به نوعی از درون اسلام سیاسی فقهاتی و با تفسیر و بیان خاص امام خمینی برآمده بود، به نوعی جایگزین عنصر ایدئولوژی در این گفتمان شد و اگرچه ماهیت ایدئولوژیک گفتمان انقلاب اسلامی هرگز از بین نرفت و بعدها نیز به نوعی دیگر در برخی از خرده‌گفتمان‌ها بازتولید شد، اما با در نظر گرفتن وضعیت کشور و لزوم تحولات سیاسی و اقتصادی برای بازسازی آن، حفظ مصالح نظام و نیز تداوم آن، بر مبنای دیگری قرار گرفت که عبارت بود از توسعه اقتصادی و باز شدن درهای اقتصاد به سمت دنیای آزاد و نیز در ادامه آن، پیش رفتن به سمت یک اقتصاد آزاد و غیردولتی.

تحول گفتمانی در جمهوری اسلامی ایران، در این دوره نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری تحولات داخلی داشت. چه تحولات سیاسی و چه اجتماعی. مهم‌ترین تحول سیاسی در این دوره را می‌توان در گذار از نظام سیاسی پارلمانی به ریاستی دانست که مقدمه ایجاد یک دولت توسعه‌گرا بود. تمامی تحولات دوران پس از جنگ، نه برآمده از خرده‌گفتمان دفاع مقدس، که اساساً مبتنی بر وضعیتی است که در عصر سازندگی به وجود آمد. این تحولات، چه در راستای این خرده‌گفتمان و چه در جهت مخالف آن، نسبت مشخصی با آن داشت و ازاین‌رو، گذار از دوره دفاع مقدس را به نحوی صورت‌بندی کرد که به این دوران حالتی

نوستالژیک نیز بخشید. در دوره سازندگی، تحول مهمی در نظام ارزشی در گفتمان انقلاب اسلامی رخ داد.

بر این اساس، با تفوق ایدئولوژی در نظام معنایی و گفتمانی جمهوری اسلامی، همه نهادهای سیاسی و سازمان‌های اجتماعی و نیز تمامی تحولات سیاسی عصر دفاع مقدس، با در نظر داشتن این ایدئولوژی معنا پیدا می‌کنند. حتی، خود جنگ را نیز باید با توجه به این نظام معنایی و گفتمانی مورد بررسی و بحث قرار داد. جایی که در عین وجود رگه‌های ملی‌گرایانه برای جنگ، مسئله «حفظ نظام» و «حفظ اسلام»، برجستگی بیشتری دارد و این، دقیقاً برآمده از گفتمانی است که دال مرکزی و معناده به آن، با در نظر داشتن اصل ایدئولوژی تعریف و معنا می‌شود.

در تحول بعدی، با کم‌رنگ شدن ایدئولوژی رادیکال اسلامی و جایگزین شدن مصلحت‌گرایی و واقع‌گرایی، در برابر آرمان‌گرایی، شکل و نوع سیاست‌ورزی و حکمرانی نیز در جمهوری اسلامی دچار تغییرات مهمی می‌شود که تا حد زیادی از روش‌های دوران دفاع مقدس و مبتنی بر نظام ارزشی گفتمان آن فاصله می‌گیرد. بنابراین، باز این موضوع باید مورد تأکید و تثبیت قرار گیرد که بخش مهمی از تحولات سیاسی داخلی در جمهوری اسلامی در طول سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۶، مبتنی بر تحول در نظام معنایی و ارزشی برآمده از خرده‌گفتمان‌های موجود در آن بوده است که ضمن آنکه هر کدام از آن‌ها در درون گفتمان کلان جمهوری اسلامی قرار دارند، در برابر هم دارای تقابلات معنایی، ارزشی و در نتیجه گفتمانی هستند و به نوعی در غیریت با دیگر تعریف شده و دارای مرزهای مشخص و برجسته‌ای نسبت به هم هستند.

منابع

۱. آسابرگر، آرتور. (۱۳۹۸). تحلیل گفتمان کاربردی. (ح، پاینده. مترجم). تهران: مروارید.
۲. ازغندی، علیرضا. (۱۳۸۱). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: نشر قومس.

۳. اسماعیلی، خیرالله. (۱۳۸۲). "جایگاه احزاب سیاسی در صورت‌بندی گفتمان سیاسی-امنیتی انقلاب اسلامی ایران." *اندیشه انقلاب اسلامی*. ش ۲۵، ۲۵۳-۲۷۴.
۴. اکبرزاده، رجب و همکاران. (۱۴۰۲). "مؤلفه‌ها و شاخص‌های دفاع مقدس در تثبیت انقلاب اسلامی." *مطالعات دفاع مقدس*. پیاپی ۳۳، ۶۱-۸۱.
۵. اکرمی‌نیا، محمد. (۱۴۰۱). "ویژگی‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران دفاع مقدس." *مطالعات دفاع مقدس*. پیاپی ۲۹، ۹-۳۴.
۶. جهاندار، امیری. (۱۴۰۲). "مقوم‌های هویتی زنجیره هم‌ارزی در گفتمان مقاومت اسلامی در منطقه، براساس گفتمان شهید سلیمانی." *پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*. سال ۱۳، ش ۲، ۷۹-۱۰۱.
۷. امیری‌فرد، پریسا. (۱۴۰۳). "بررسی گفتمان توسعه اقتصادی هاشمی رفسنجانی در پنجمین انتخابات ریاست جمهوری." *انقلاب پژوهی*. سال ۲، ش ۳، ۱۴۹-۱۷۴.
۸. انصاری، منصور؛ همتی‌نژاد، ناهید. (۱۳۹۹). "تحولات مفهوی امر انقلابی در گفتمان اصلاح‌طلبی." *اندیشه سیاسی در اسلام*. سال ۷، ش ۲۳، ۱۴۰-۱۰۵.
۹. باقری دولت‌آبادی، علی؛ شفیعی سیف‌آبادی، محسن. (۱۳۹۵). *از هاشمی تا روحانی؛ بررسی سیاست خارجی ایران*. تهران: انتشارات تپسا.
۱۰. بشیر، حسن. (۱۳۸۵). *تحلیل گفتمان دریچه‌ای بری کشف ناگفته‌ها*. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۱۱. پروانه، محمود. (۱۳۹۴). "نقد گفتمان دولت سازندگی مبتنی بر گفتمان سیاسی امام خمینی (ره)." *اندیشه‌نامه ولایت*. سال ۱، ش ۸۷-۱۱۹.
۱۲. پورزکی، گیتی. (۱۳۹۸). "تحول در مواجهه گفتمانی در جمهوری اسلامی ایران: مواجهه پساسیاسی، آنتاگونیستی، یا آگونیستیک." *جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام*. سال ۷، ش ۲۳۱، ۱۵-۲۵۴.
۱۳. پوستین‌چی، زهره. (۱۴۰۱). "تأثیر متقابل عوامل فرهنگی اجتماعی و دفاع مقدس." *مطالعات دفاع مقدس*. سال ۸، ش ۸، ۱۱۱-۱۳۶.
۱۴. حاجی‌ناصری، سعید و همکاران. (۱۴۰۱). "تحلیل گفتمان رابطه دولت و طبقات اجتماعی در دولت سازندگی." *پژوهشنامه انقلاب اسلامی*. سال ۱۲، ش ۴۴، ۱-۲۱.

۱۵. دهقانی فیروزآبادی، جلال. (۱۳۸۸). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: نشر سمت.
۱۶. حسینی، مجتبی و همکاران. (۱۴۰۱). "بررسی موانع و راهکارهای تأمین امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای." *مطالعات راهبردی بسیج*. سال ۲۵، ش ۹۴، ۵-۳۷.
۱۷. حسینی، مجتبی و همکاران. (۱۴۰۲ الف). "«سکولاریسم» به مثابه اصلی‌ترین «تهدید نرم» علیه جمهوری اسلامی در «گفتمان امنیت سیاسی» آیت‌الله خامنه‌ای." *پژوهشنامه انقلاب اسلامی*. سال ۱۳، ش ۴۸، ۲۷-۴۳.
۱۸. حسینی، مجتبی و همکاران. (۱۴۰۲ ب). "ضرورت شکل‌گیری گفتمان مقاومت در راه نیل به تمدن اسلامی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای." *مطالعات قدرت نرم*. سال ۱۳، ش ۱، ۲۷۳-۲۹۵.
۱۹. خلیلی، رضا. (۱۳۹۹). "تحول گفتمانی حکمرانی امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران." *مطالعات راهبردی*. سال ۲۳، ش ۴، ۷-۴۸.
۲۰. رون، مهسا. (۱۳۹۹). "تحلیل گفتمان «عقلانیت مبتنی بر معنویت» در روایت‌گری دفاع مقدس." *مطالعات راهبردی بسیج*. سال ۲۳، ش ۸۷، ۶۱-۹۸.
۲۱. سپهر، مهدی و همکاران. (۱۴۰۲). "تحول در آموزش و پرورش: تحلیل گفتمان کنش‌های سیاستی دوره سازندگی." *راهبرد فرهنگ*. ش ۶۱، ۷۱-۹۸.
۲۲. ستاری دستنائی، بهرام و همکاران. (۱۴۰۱). "گفتمان‌های سیاسی و نقش آن‌ها در مشارکت و جمهوریت مردم." *جستارهای سیاسی معاصر*. سال ۱۳، ش ۲، ۸۹-۱۱۸.
۲۳. سجادی‌پور، محمدکاظم؛ نوریان، اردشیر. (۱۳۸۹). "برنامه‌ریزی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: بررسی رابطه قدرت منطقه‌ای، اقتصاد و سیاست خارجی براساس سند چشم‌انداز." *راهبرد*. سال ۱۹، ش ۵۶، ۴۳-۷۲.
۲۴. شفیعی‌فر، محمد؛ صفیاری‌پور، علی. (۱۴۰۰). "جامعه‌شناسی سیاسی دفاع مقدس؛ تثبیت انقلاب اسلامی." *جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی*. سال ۲، ش ۱، ۲۳-۴۴.

۲۵. شیرودی مرتضی و همکاران. (۱۳۹۹). "گفتمان مقاومت (شیعی) و تأثیر آن بر نظم امنیتی هژمونیک غرب آسیا در مواجهه با گفتمان‌های سلفی و اخوانی." *پژوهش‌های سیاسی جهان/سلام*. سال ۱۰، ش ۱، ۲۱۹-۲۳۹.
۲۶. صحرایی، علیرضا. (۱۴۰۳). "جنگ تحمیلی و تحول گفتمانی در ایستارهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران." *دانش‌نامه علوم سیاسی*. سال ۵، ش ۱۶، ۲۰-۴۹.
۲۷. صحرایی، علیرضا؛ محمودی‌نیا، امین. (۱۳۹۷). "الگوی حکمرانی خوب: چارچوبی برای تحلیل اقتصاد سیاسی دولت هاشمی رفسنجانی (۱۳۷۶-۱۳۶۸)." *مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی*. سال ۸، ش ۲۸، ۲۰۷-۲۲۸.
۲۸. صفایی، سعید؛ رهبر، عباسعلی. (۱۴۰۲). "چرخه گفتمانی در سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در دهه ۱۳۷۰." *جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی*. سال ۴، ش ۲، ۶۱-۸۲.
۲۹. طلوعی، سوسن؛ تفضلی، حسین. (۱۴۰۰). "جایگاه نخبه گرایی در توسعه سیاسی با نگاهی به دو گفتمان سازندگی و اصلاحات در جمهوری اسلامی ایران." *رهیافت انقلاب اسلامی*. سال ۱۵، ش ۵۴، ۲۱-۴۲.
۳۰. عامری گلستانی، حامد؛ قادری، نفیسه‌سادات. (۱۳۹۱). "نگاهی گفتمانی به اسلام‌هراسی." *پژوهش‌های سیاسی جهان/سلام*. سال ۲، ش ۴، ۱۲۹-۱۴۳.
۳۱. عباسی، ابراهیم؛ مجدی، مهرسا. (۱۴۰۱). "تحولات گفتمان عرفی گرایانه در دهه چهارم جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر منافع ملی." *منافع ملی*. سال ۸، ش ۲۹، ۷۵-۹۸.
۳۲. غلامی شکارسرای، محمدرضا. (۱۴۰۱). "تحلیل گفتمان همبستگی ملی در دوران دفاع مقدس." *امنیت ملی*. سال ۱۲، ش ۴۵، ۲۳۹-۲۷۰.
۳۳. فاضلی کبریا، حامد؛ نهادی، هادی. (۱۳۹۶). "بررسی تأثیر دفاع مقدس بر ارتقاء سرمایه اجتماعی." *مطالعات دفاع مقدس*. سال ۳، ش ۲، ۱-۲۰.
۳۴. فرکلاف، نورمن. (۱۳۷۹). *تحلیل انتقادی گفتمان*. (پیران و همکاران. مترجم). تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

۳۵. فلاح‌نژاد، علی. (۱۴۰۰). "گفتمان انقلاب اسلامی و طبقه متوسط." *جامعه‌شناسی سیاسی/انقلاب/اسلامی*. سال ۲، ش ۳، ۷-۲۴.
۳۶. کلانتری، صمد و همکاران. (۱۳۸۸). "تحلیل گفتمان: با تأکید بر گفتمان انتقادی به‌عنوان روش تحقیق کیفی/" *جامعه‌شناسی*. سال ۱، ش ۴، ۷-۲۸.
۳۷. کلوانی نیتل، سهیلا. (۱۳۹۷). "جهانی‌شدن سیاست و تأثیر آن بر فرآیند توسعه سیاسی ج.ا. ایران." *پژوهش ملی*. سال ۴، ش ۳۸، ۶۷-۸۸.
۳۸. مرادی، عبدالله؛ کلانتری، نصراله. (۱۴۰۰). "مفهوم‌شناسی وحدت ملی در گفتمان انقلاب اسلامی و تحول عینی آن در دولت‌های جمهوری اسلامی." *مطالعات بین‌رشته‌ای/دانش راهبردی*. سال ۱۱، ش ۴۴، ۳۱۱-۳۳۶.
۳۹. مزدخواه، احسان؛ حمیدی، سمیه. (۱۴۰۲). "آنتاگونیسم امر توسعه در دولت‌های پساانقلابی ایران: در میانه توسعه‌نیافتگی و خروج از مسیر توسعه." *رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*. سال ۱۵، ش ۱، ۱۸۵-۲۱۲.
۴۰. مصلی‌نژاد، عباس. (۱۳۹۵). *دولت و توسعه اقتصادی در ایران*. تهران: نشر نی.
۴۱. نورپور، محسن و همکاران. (۱۴۰۰). "تأثیر تحولات اجتماع-سیاسی دهه اول انقلاب اسلامی ایران بر گفتمان‌های حاکم بر کیفرهای بدنی." *پژوهش حقوق کیفری*. سال ۹، ش ۳۵، ۷۷-۱۰۷.
۴۲. ولی‌پور زرومی، حسین. (۱۳۸۴). "هویت ملی و دفاع مقدس." *مطالعات ملی*. ش ۳، ۹۹-۱۲۲.
۴۳. هنری، یدالله؛ آزرمی، علی. (۱۳۹۲). "بررسی و تحلیل فرایند استقرار و انسجام‌یابی گفتمان انقلاب اسلامی ایران براساس نظریه گفتمان لاکلا و موفه." *پژوهشنامه انقلاب/اسلامی*. سال ۲، ش ۴، ۹۵-۱۱۸.